

انتظار شیرین

بر اساس زندگی
شهید امیر سرتیپ دکتر رحمان فروزنده

مژگان حضرتیان فام

سوره سبز

پاییز ۱۳۹۰

سرشناسه	: حضرتیان فام، مژگان، ۱۳۴۳
عنوان و نام پدیدآور	: انتظار شیرین / مژگان حضرتیان فام
مشخصات ناشر	: تهران، سوره سبز، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	: ۱۹۲ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۴-۳۹-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیفا
موضوع	: فروزنده، رحمان ۱۳۴۱-۱۳۸۹
موضوع	: جنگ ایران و عراق، شهیدان، سرگذشت‌نامه
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ج ۶ ۴۲۳/ف/۱۶۲۶ DSR
رده‌بندی دیویدی	: ۹۵۵/۰۸۴۳-۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۴-۲۵۲

عنوان کتاب: انتظار شیرین

نویسنده: مژگان حضرتیان فام

ناشر: سوره سبز

با همکاری موسسه فرهنگی هنری اقلیم حکمت ایرانیان

مدیر تولید: محسن صادقی‌نیا

ویراستار: شعاع الدین فلاح دوست

طرح جلد: علی فلاح دوست

ناظر فنی: عباس صادقی‌نژاد

حروفچینی: آذر زینی طلابری

صفحه‌بندی و صفحه‌آرایی: فریا بادامی (۶۶۹۱۷۳۴۷)

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۵۱۳۱۲۶۸

مقدمه

سی سال پیش... انگار همین دیروز بود که صدای ناسازی، زندگی را برهم زد. صدای ناله‌جاری که خواب کودکانمان را در آغوش مادرانِ ترس دیده هراسان کرد.

به یاد صحنه‌های غریب زندگی در جشن مهرگانِ خرمشهر در جنگ و کوچ اجباری هم وطنانمان از آبادان سراسیمه.

وقتی اولین روز مهر سال هزار و سیصد و پنجاه و نه، با صدای جنگ چشم باز کردیم، جز آتش و دود، خاک و خون و گودال‌هایی که همسایگان بی گناه را در خودش می‌بلعید، چه دیدیم؟

انگار همین دیروز بود که ترس از هر لحظه مردن را تجربه کردیم و صدای مداوم آمبولانس‌ها که برای نجات و صدای سوت خمپاره‌ها که برای مرگ ما می‌آمدند و صدای وحشتناک بمباران‌های هوایی، مرگ فردا و پس فرداهايمان را به خود مشغول کرده بود. بچه‌هایی که صبح در میانه‌ی راه با رنگی پریده به خانه بازگشتند، در همان خانه یا

در راه مدرسه زیر خاک مدفون شدند و اگر زنده ماندند هرگز آن خانه و آن مدرسه را ندیدند. خیلی ها پس از سال ها به نزدیکی پل خرّم شهر که رسیدند، ساعت ها میان کوچه های ویران شده و خیابان های بی پلاک سرگردان ماندند. خیلی ها نتوانستند خانه هایشان را پیدا کنند، هیچ نشانه ای نبود. روی تلی از ویرانه ها نومیدانه با حدس و گمان، قدم می زدند. نمی دانستند با سنگ ها چه بگویند. از آن خانه های بزرگ با آدم های مهربان، تنها دیواری مانده بود، دیواری که روزگاری خانواده ای به آن تکیه داده بود.

چه قدر به آن دیوارها خیره ماندند!

انگار چشم هایشان شهید شده بود!

راستی چه کسانی دیوارها را از دشمنی ها پاک کرده بودند؟ جنگ با همه ی چهره های سیاهش، سپیدی هایی هم داشت، گوشه ی بزرگی از آن سپیدی، نترسیدن های مردانی بود از جنس صیاد شیرازی، هداوند میرزایی، شریف اشراف، بابایی، همت و... که کوه وار و سینه ستر برجسته ترین قانون فاحش جنگ را آفریدند که همانا شهادت نام داشت.

مردانی مرد و آشنای درد که آسیمه سر رفتند و ترس از متلاشی شدن پیکرهایشان نداشتند. مردانی که در دامن پاک مادران دیروز متولد شدند، رشد کردند و حماسه ها آفریدند و اینک تنها یادی از آنان برجای مانده، تازه اگر...؟!

و ما که نمی‌خواهیم فراموششان کنیم، رسالتی به قدر بضاعتمان بر دوش خود گذاشته‌ایم. باشد تا این نسل، نسل به اصطلاح خودشان "سوخته" آگاه شوند از تفاوت دیروز و امروزشان؛ دیروزی که دیگر نیست و امروزی که می‌شود دید و فهمید تا دنیایی را که دیگر هدف، دفاع، اندیشه و رنج‌های انسانی برایش مضحک، مرده و بی‌معناست. نمی‌خواهیم تلنگر بیداری باشیم و قصد تحمیل هیچ تفکری را نیز به جامعه نداریم. تنها تعریفی است از "هست"‌هایی که مظلومانه زیر پوست عجیب و غریب زندگی امروز پنهان مانده‌اند.

"سوره سبز" با اقتدا به روان پاک شاهدان هشت سال دفاع و تحیت و احترام به صبوری و سکوت مردانه‌ی جانبازان بزرگوار که اینک پشت خاکریزهای "درد" سنگر گرفته‌اند، ضمن تقدیر از زحمات و حمایت‌های بی‌دریغ امیر سرتیپ احمد رضا پوردستان (فرمانده نیروی زمینی ارتش)، امیر سرتیپ دوم حسین ولی‌وند (فرمانده دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد ارتش)، سرهنگ ستاد مجتبی جعفری (رئیس سازمان ایثارگران نذاجا) به معرفی یکی از آنان می‌پردازد:

«شهید امیر سرتیپ دکتر رحمان فروزنده»